

Qualitative Meta-Analysis of the Obstacles of Political Party Development in I.R.Iran between 1998 to 2019

Sedigheh Sheikhzadeh Joushani*
Yahya Kamali**
Zahra Lashkari***

Received: 2022/04/25

Accepted: 2023/02/26


Abstract

The aim of the present study is to identify and categorize the obstacles of party development in The Post- Revolutionary Iran. The current study has utilized the Qualitative Meta-Analysis method. The sample include articles and dissertations that have been published in databases of NOORMAGZ, SID, MAGIRAN and IRANDOC from 1989 to 2018. During the review process, 118 studies were identified and finally, 30 of them were included to the secondary evaluation. The findings indicated that the 130 obstacles of party development have been identified and categorized follow six approaches: Institutional, Legal, Political culture, Sociological, and Modernization obstacles that based on the frequency, Political culture obstacle has been a frequency of 46 cases, 35.38%. From the perspective of party development studies in the period 1989-2018, the obstacle of political culture with three dimensions, the political culture of leaders, political elites and the masses has had the greatest impact on the process of party development in The Post-Revolutionary Iran. Hence, it is suggested to reform of political culture with the aim of creating a positive mental orientation toward the party phenomenon and activity at three levels: the political culture of leaders, political elites and political activists and the mass.

Keywords: Obstacle, Party Development, Political Party, Qualitative Meta-Analysis, Islamic Republic of Iran.


* Assistant Professor of Political Science (Iranian Studies) , Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, I.R.Iran (Corresponding author).

ssheikhzadeh@uk.ac.ir

 0000-0002-9485-153x


** Associate Professor of Political Science (Public Policy) , Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, I.R.Iran.

yahyakamali@uk.ac.ir

 0000-0002-7392-6395

*** Master in Political Science from Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, I.R.Iran.

zlashkari2@yagoo.com

 0000-0003-1642-2091

فرا تحلیل موانع توسعه حزبی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۶۸

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

صدیقه شیخ‌زاده جوشانی*

یحیی کمالی**

زهرا لشکری***


چکیده

پیشینه فعالیت احزاب سیاسی در ایران، به انقلاب مشروطه برمی‌گردد، از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف فراتحلیل کیفی موانع توسعه حزبی در دوره زمانی ایران پس از انقلاب، به شناسایی و دسته‌بندی موانع توسعه حزبی از منظر مطالعات داخلی منتشرشده در بازه ۱۳۶۸-۱۳۹۸ اقدام کرده است. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری شده و شامل ۱۱۸ مطالعه، در قالب مقاله و پایان‌نامه بوده که طی فرایند اجرای فراتحلیل، ۳۰ سند درون‌گنجی شده است. طبق یافته‌های به‌دست‌آمده، تعداد ۱۳۰ مانع توسعه حزبی در ذیل رویکردهای ششگانه: نهادی، حقوقی - قانونی، سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناختی و نوسازی و مدرنیزاسیون شناسایی و دسته‌بندی شده که بر اساس میزان فراوانی، «موانع فرهنگ سیاسی»، با فراوانی ۳۵,۳۸ درصد پرتکرارترین مانع توسعه حزبی را در پژوهش‌های مورد بررسی به خود اختصاص داده است. از این‌رو، اصلاح فرهنگ سیاسی با هدف ایجاد جهت‌گیری ذهنی مثبت نسبت به پدیده حزب و فعالیت حزبی در سطوح سه‌گانه: فرهنگ سیاسی رهبران، نخبگان و فعالان سیاسی و توده پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تحزب، توسعه حزبی، جمهوری اسلامی ایران، حزب سیاسی، فراتحلیل کیفی.

* استادیار گروه علوم سیاسی (مسایل ایران)، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).


ssheikhzadeh@uk.ac.ir

 0000-0002-9485-153x

** دانشیار علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان،


کرمان، جمهوری اسلامی ایران.

yahyakamali@uk.ac.ir

 0000-0002-7392-6395

*** دانش‌آموخته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، جمهوری اسلامی ایران.

zlashkari2@yahoo.com

 0000-0003-1642-2091

مقدمه

بیان مسئله: ایده «توسعه حزبی» نخستین بار در مراحل اولیه جامعه‌شناسی سیاسی متولد و بسط یافت. براساس ایده‌های نظری متفکرین این حوزه، احزاب به‌عنوان بخشی از فرایند تکامل اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و منجر به تأسیس نظام‌های حزبی بالغ و مردم‌سالار شده‌اند. این نظام‌ها در جوامع امروزی به‌عنوان پیونددهنده نظام سیاسی، جامعه و ابزارهای جامعه مدنی عمل می‌کنند (Asayesh et al., 2010, p. 28). با این توصیف احزاب سیاسی از آنجاکه در دنیای معاصر به‌مثابه یکی از ارکان اساسی مردم‌سالاری مطرح هستند، دغدغه محوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهند.

اهمیت: در ایران، پیشینه فعالیت احزاب سیاسی به انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. احزاب به‌وجودآمده که اغلب غیررسمی و فاقد تشکیلات منسجم و پایگاه مردمی بودند، از فرهنگ غیربومی اقتباس شدند؛ آن هم بدون اینکه ساختارهای کشور متناسب با آنها تغییر کند. از این رو، نتوانسته‌اند کارویژه‌های احزاب را به‌صورت بومی و کامل ایفا کنند. پژوهش حاضر به‌دلیل شناسایی منابع اصلی در این حوزه و تحلیل آنها دارای اهمیت نظری می‌باشد.

ضرورت: در صورت عدم توجه به موانع موجود بر سر راه توسعه حزبی در ایران، شاهد استمرار حاکمیت نظریه‌های غیربومی بر این حوزه مطالعاتی، از یک‌سو و همچنین تضعیف سیاست‌های حزبی در ایران از سوی دیگر - به‌واسطه نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود و اتلاف سرمایه‌های نظری و عملی کشور - خواهیم بود؛ بنابراین می‌توان اظهار داشت که پژوهش‌هایی از این قبیل دارای ضرورت نظری - کاربردی است.

اهداف: کمک به اصلاح و ارتقای نظام حزبی در کشور از طریق شناسایی همه‌جانبه و دسته‌بندی موانع توسعه حزبی در ایران، هدف اصلی این پژوهش است. در این راستا، ترویج دیدگاه بومی در زمینه تحزب در ایران، و همچنین زمینه‌سازی برای طراحی راهبردهای اصلاحی در حوزه تحزب، به‌عنوان دو هدف فرعی مدنظر نویسندگان می‌باشد.

فرضیه و سؤال‌ها: پژوهش حاضر اکتشافی است و فرضیه‌آزما نمی‌باشد. سؤال اصلی پژوهش عبارتست از: موانع توسعه حزبی در ایران در جمهوری اسلامی ایران بر اساس فراتحلیل پژوهش‌های منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۸ کدامند؟ سؤال‌های فرعی

نیز عبارت‌اند از: موانع تحزب در ایران به چند دسته اصلی قابل تقسیم می‌باشند؟ مهم‌ترین مانع توسعه حزبی در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

۱. پیشینه پژوهش

با توجه به روش فراتحلیل انتخاب‌شده، پیشینه در دوسطح به شرح زیر تدوین شده است:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

در این نشریه تاکنون پژوهشی با عنوان حاضر منتشر نشده، اما نتایج مرتبط با کلیدواژگان پژوهش حاضر در نشریه نشان می‌دهد، پژوهشی با هدف فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی ایران در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۰ توسط بیدالله خانی و فرخاری (۱۴۰۱) منتشر شده است؛ همچنین مرتبط با کلیدواژه «حزب» چند پژوهش شناسایی شد که نشان از تمرکز این مطالعات بر بررسی عملکرد تشکلهای سیاسی در ایران پس از انقلاب و کارویژه‌های آنها دارد. بررسی حزب جمهوری، توسط ایمان؛ طبیعی و امینی‌زاده (۱۳۹۹)، تحلیل جایگاه مکتب در نظام حزبی، توسط خدادی و ربیعی کهندانی (۱۴۰۱)، بررسی نقش احزاب در توسعه مشارکت‌ها، توسط میرفردی؛ کریمی و عیسائی خوش (۱۳۹۹) و بالاخره مقاله شوقعلی بافقی؛ شیخ‌زاده جوشانی و کمالی (۱۳۹۷). لازم به ذکر است که بر تفاوت‌های ساختاری و عملکرد احزاب متمرکز است. با تأمل در این منابع مشاهده می‌شود که پیشینه مزبور از حیث موضوع و زمان پژوهش، از مقاله حاضر متمایز ارزیابی می‌شوند.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع

در زمینه موانع توسعه احزاب سیاسی پژوهش‌های متعددی در داخل انجام شده است. به‌طورنمونه، اخوان کاظمی در کتابی با عنوان «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران» (۱۳۸۸)، مهم‌ترین علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران را «علل تاریخی - ساختاری، اقتصادی، حقوقی - قانونی، فرهنگ سیاسی و علل عملکردی که شامل عملکرد گروه‌های بدیل (مانند روحانیت و هیئت‌ها)، نخبگان، احزاب و عملکرد دولتمردان» می‌داند. نوزعیم (۱۳۹۶)، مهم‌ترین موانع شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب را دولت رانتیر، نداشتن پایگاه اجتماعی احزاب در بین جامعه،

ایدئولوژی و ضعف فرهنگ سیاسی جامعه می‌داند. در اثری دیگر، مهم‌ترین علل ناکامی احزاب در ایران عوامل فرهنگی و اجتماعی، عملکردی - سازمانی، ساخت اقتدارگرایی قدرت سیاسی، دولت رانتیر و عوامل خارجی ذکر شده است (سردارنیا، ۱۳۹۳). در مقاله‌ای دیگر، دلایل نهادینه نشدن احزاب در ایران، موانع اقتصادی، فرهنگی، تاریخی - ساختاری و حقوقی - قضایی فرض شده است (عظیمی و مطلبی، ۱۳۹۴).

مسئله عدم توسعه حزبی در پژوهش‌های خارجی، عمدتاً در زمینه کشورهای در حال گذار به مردم‌سالاری مورد توجه بوده است؛ به‌طورنمونه، لنگویچ (۲۰۰۷) با بررسی موانع توسعه حزبی در روسیه، این موانع را شامل فرهنگ سیاسی حاکم، موانع تاریخی، عدم درک مردم از روند انتقال مردم‌سالارانه، ایجاد حس بیگانگی در بین بخش‌هایی از نخبگان، موانع قانونی و مشکلات درون‌حزبی، نقض حقوق بشر، عدم مشارکت مردمی، سرکوب آزادی‌های مدنی، افزایش قدرت دولت و کنترل رسانه‌های جمعی می‌داند. هسلی و همکاران (۱۹۹۸) با بررسی موانع توسعه احزاب در اوکراین دریافته‌اند که تقسیمات قومی، قطب‌بندی‌های انتخاباتی، عوامل فرهنگی، عوامل تاریخی، تغییر در جهت‌گیری‌های سیاسی، محیط جغرافیایی، زبان، هویت و رابطه اوکراین با روسیه، بر عدم توسعه احزاب در اوکراین تأثیر گذاشته است. لویس (۱۹۹۴) نهادسازی سیاسی و توسعه حزبی در لهستان پساکمونیست را بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ضعف و ناپایداری احزاب در لهستان ناشی از اختلاف‌نظر میان رهبران، پایین بودن سطح مشارکت سیاسی مردم، قوه مقننه ضعیف، اختلاف‌نظر در جهت‌گیری‌های کشور بوده است.

مرور این مطالعات نشان می‌دهد، هیچ اثر مستقلاً با هدف فراتحلیل موانع توسعه حزبی در ایران در زمینه داخلی و خارجی انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به لحاظ مسئله، هدف و روش مطالعه، پژوهشی نوآورانه است.

۲. مبانی مفهومی و نظری پژوهش

مبادی مفهومی و نظری پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۲-۱. حزب/ت‌حزب

به لحاظ لغوی، حزب واژه‌ای عربی است که معادل آن در فارسی گروه یا دسته است که در ادوار مختلف تاریخ به معانی متفاوتی به کار رفته است. کاربرد حزب به معنای گروه و دسته سیاسی مفهومی مدرن است که نخستین بار در غرب شکل گرفت (اشرفی، ۱۳۹۵، ص. ۶۷). به لحاظ مفهومی، حزب در بستر سیاسی، به معنای «گروهی از اشخاص سازمان‌یافته با هدف کسب و اعمال قدرت سیاسی» است. به این تعبیر، احزاب سیاسی «سازمان‌های باثباتی هستند که همراه با توسعه حق رأی همگانی شکل گرفتند و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به صورت سازمان‌های سراسری و غیروابسته به اشخاص درآمدند که دیگر به بنیانگذاران خود وابسته نبودند و به‌طور مشخص از طریق تکیه بر رأی مردم در پی کسب قدرت سیاسی بودند» (نقیب‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۲). با این توصیف حزب یک ساختار اجتماعی است که در صحنه سیاسی به دنبال اعمال قدرت، پُرکردن مناصب موجود و شکل دادن به سیاست‌های محلی حکومت است (Chambers, 1963, p. 108). «مهم‌ترین کارویژه‌های احزاب عبارت‌اند از: نمایندگی، تجمع، ادغام، اقناع، انتخاب رهبران، تدوین سیاست‌ها و کنترل قانونی قدرت که با این کارویژه‌ها، حزب نقش مهمی در شکل‌گیری دولت مردم‌سالارانه ایفا می‌کند» (Lenkevitch, 2007, pp. 4-5). از این رو، احزاب را باید بخشی از جنبه‌های اجتناب‌ناپذیر مردم‌سالاری دانست که بدون آنها مردم‌سالاری قابل تصور نیست (Fobih, 2011, p. 578).

۲-۲. توسعه حزبی

در خصوص توسعه حزبی، دیدگاه‌های متعددی ارائه شده که می‌توان آنها را در قالب دو تعریف اصلی جای داد:

اول. تلقی چندبُعدی از ت‌حزب: «توسعه حزب سیاسی به فرایندی اشاره دارد که از گذر آن یک حزب سیاسی شکل می‌گیرد و در درون یک ساختار سازمان‌یافته تکامل می‌یابد و کم‌وبیش از طریق انتخابات پاسخگو می‌شود. مهم است در این رویه یادآور شویم که این فرایند، یک فرایند غیرخطی و چندبُعدی است» (Zeeuw, 2009, p. 6).

دوم. تلقی تک‌بُعدی از ت‌حزب: «توسعه حزبی بخشی اساسی از فرایند توسعه نهادها و

اقدامات مردم‌سالارانه است که در روند مردم‌سالاری‌سازی رخ می‌دهد و با توجه به بسترهای موجود و ساختار قدرت سیاسی، در هر کشور به‌گونه‌ای متفاوت تعبیر می‌شود» (Lewis, 1994, p. 391).

در پژوهش حاضر، توسعه یا تحول حزبی به فرایندی اشاره دارد که طی آن، گروه‌هایی سازمان‌یافته از افراد به‌گونه‌ای خودجوش و به اتکای پایگاه اجتماعی مستقل از ساختار قدرت سیاسی و به شیوه‌ای مردم‌سالار پدیدار شوند که از پایداری، ثبات و کارآمدی کافی برخوردار بوده و بتوانند در جامعه نهادینه‌شده و کارویژه‌های اصلی خود را به‌عنوان «حزب سیاسی» به‌درستی انجام دهند.

۲-۳. عوامل حزب

اهمیت و ضرورت وجود احزاب در نظام‌های سیاسی جدید منجر به نظریه‌پردازی و ارائه دیدگاه‌های مختلفی درباره چگونگی فرایند پیدایی و گسترش احزاب سیاسی جدید شده است. با توجه به اینکه کارکردهای واقعی احزاب، زمانی محقق می‌شود که حزب به‌درستی در جامعه نهادینه شود، اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به ارائه دیدگاه‌های خود درباره الزام‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه حزبی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر این عوامل و شاخص‌های آنها را به کمک ادبیات نظری استخراج و در ذیل «رویکردهای شش‌گانه: نهادی، حقوقی - قانونی، سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناختی و نوسازی» دسته‌بندی کرده است.

جدول شماره (۱): عوامل مؤثر بر توسعه حزبی از منظر ادبیات نظری

نظریه	عوامل مؤثر بر توسعه حزبی
نظریه رقابت انتخاباتی ^۱	نظام سیاسی مردم‌سالار، شکل‌گیری فعالیت‌های سیاسی، بسیج مردمی، حمایت انتخاباتی، شیوه رقابت احزاب برای کسب قدرت و مناصب عمومی، نوع قوانین انتخاباتی، مشارکت سیاسی.
نظریه جامعه‌شناختی ^۲	تغییر بافت سنتی جوامع و ایجاد نوسازی اقتصادی و اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی شامل: تعارضات طبقاتی، جنسیتی، نسلی، مکانی، قومیتی، سنت و تجدد، زبانی و...، منابع انسانی و منابع مالی و ارتباط آن با سایر بازیگران مهم مانند اتحادیه‌های صنفی یا دولت، دسترسی به

نظریه	عوامل مؤثر بر توسعه حزبی	
	بودجه و منابع دولتی.	
نظریه کارکردگرایی ^۳	کارکرد احزاب شامل: ۱- کارکرد خاص (شکل‌دهی به افکار عمومی، انتخاب نامزدهای انتخاباتی، سازمان‌دهی رأی‌دهندگان)، ۲- کارکرد عام (کارویژه‌های آشکار و پنهان مثل ایجاد ارتباط میان مردم و زمامداران)، تسهیل و کارآمدی نظام سیاسی به وسیله احزاب، ایجاد نظم و ثبات در جامعه، نقش احزاب در انجام کارویژه‌های نظام سیاسی و ایجاد ارتباط آن با سایر نظام‌های فرعی جامعه، عدم ایجاد ناهمبستگی میان حوزه‌های اصلی نظام به کمک احزاب.	
رویکرد نهادگرایی ^۴	نهادهای سیاسی از جمله: نظام انتخاباتی، ماهیت قانون‌گذاری - اجرایی دولت، ماهیت فدرال دولت، نظام پارلمانی، قوانین احزاب سیاسی، تأمین مالی، تنظیم قوانین و رویه‌های ثبت‌نام در انتخابات، سازمان‌دهی و تبلیغات انتخاباتی و...، محیط بیرونی و بازیگران بین‌المللی، نهادها و ساختارها شامل: آیین‌نامه‌ها، قواعد و قوانین، ارزش‌ها، هنجارها، عرف، نظام‌های نمادین و شناختی شامل هویت و فرهنگ، رویه‌های اجرایی، ساختارهای هنجاری و... تأثیر مهم و نه تعیین‌کننده در شکل‌گیری و توسعه نظام‌های حزبی دارند.	
نظریه نوسازی و بحران ^۵	نوسازی	ورود جامعه سنتی به عصر صنعتی، نوسازی و مدرنیته شدن جامعه (با معیارهایی همچون: گسترش شهرنشینی، آموزش همگانی، بالارفتن سطح سواد، پاسخگو بودن دولت، رفتارهای سیاسی عقلانی و...)، توسعه سیاسی، ظهور نهادهای مدرن مانند مجلس قانون‌گذاری، افزایش روحیه مشارکت‌طلبی در جامعه.
	بحران و شکست‌های تاریخی	وقوع و تداوم بحران‌های هویت ملی، مشروعیت دولت، مشارکت سیاسی، نفوذ و دخالت دولت و توزیع منابع، زمینه‌ساز

نظریه	عوامل مؤثر بر توسعه حزبی
	تشکیل احزاب سیاسی در کشورهای مختلف می‌باشد.
نظریه نهادمندی هانتینگتون ^۶	روند تدریجی نوسازی در جامعه، توسعه سیاسی، ایجاد نهادها و سازمان‌های نوین در جامعه، بسیج سیاسی، مشارکت سیاسی، پشتیبانی نهادمند توده‌ها، به وجود آمدن نظام حزبی پایدار، ایجاد نظم سیاسی پایدار در جامعه، ایجاد پایگاه اجتماعی قوی برای احزاب، ایجاد بسترهای مناسب برای جذب رأی‌دهندگان، سطح مشخصی از قدرت سازمانی، ایجاد پیوندهای قوی با سازمان‌های اجتماعی گسترده مانند اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های دهقانی، شکل‌گیری احزاب به معنای صحیح و واقعی (دارای مرامنامه، برنامه علمی مدون، شبکه‌های گسترده، سیاست مشخص و...) .

(طراحی توسط نویسندگان)

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث رویکرد، توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به روش اسنادی گردآوری شده و جامعه آماری پژوهش شامل ۱۱۸ مطالعه، منتشر شده در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۶۸ در قالب مقاله و پایان‌نامه می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از روش فراتحلیل^۷ کیفی متغیرمحور محدود (موانع توسعه حزبی) استفاده شده است. فراتحلیل به صورت عام به عنوان تحلیل تحلیل‌ها شناخته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵). به عبارت دیگر فراتحلیل روشی برای پاسخ به سؤال‌هایی درباره نتایج مطالعات انجام شده قبلی است، سؤال‌هایی که یک مطالعه به تنهایی نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد. فراتحلیل، اطلاعات مطالعات قبلی را ترکیب می‌کند، به مقایسه بین مطالعات نیز توجه می‌نماید و به کشف نتایج جدید از میان مطالعات قبلی می‌پردازد. با استفاده از این روش می‌توان زمینه‌های جدید پژوهش یا سؤال‌هایی پژوهشی جدیدی را معرفی نمود (ایزانلو و حبیبی، ۱۳۸۹). در حالت کلی، انجام یک فراتحلیل زمانی ضرورت پیدا می‌کند که انباشتی از مطالعات مشابه در یک حوزه خاص وجود دارد. از این رو، هدف یک فراتحلیل، ترکیب نتایج چند مطالعه چندگانه

است و به عبارتی، ترکیب نتایج حاصل از دو یا چند مطالعه انفرادی به روشی مشخص که فرضیه مشابهی را در یک مورد نشان می‌دهند. گرچه فراتحلیل عموماً با روش‌شناسی‌های کمی گره خورده است، اما معادل کیفی نیز دارد. هدف فراتحلیل کیفی، یکپارچه‌سازی نتایج مطالعات کیفی است که در گذشته انجام شده‌اند (Brown, 2017, p. 12). این روش فرضیه‌ها را می‌سازد، پردازش می‌کند و نظریه‌های جدیدی ارائه می‌دهد. در مطالعات فراتحلیل کیفی، از شاخص‌های توصیفی مانند درصد فراوانی، فراوانی تجمعی، نمودارهای میله‌ای و دایره‌ای و شاخص‌های تغییر کیفی به کمی مانند واریانس استفاده می‌شود (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳، صص. ۵۴-۵۳).

فرا تحلیل کیفی حاضر با هدف شناسایی و دسته‌بندی موانع توسعه حزبی در ایران پس از انقلاب از منظر پژوهش‌های انجام شده در بازه زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۸ انجام شده است. در مرحله جستجوی متون، پژوهشگران با وارد کردن کلیدواژه‌های: حزب، توسعه حزبی، موانع توسعه حزبی، حزب در ایران، موانع توسعه حزبی در ایران، در بازه زمانی موردنظر در پایگاه داده‌ها و اطلاعات علمی پورتال جامع علوم انسانی، ایراندک، مگیران، نورمگز، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مطالعات موردنظر را جستجو کردند که طی فرایند اجرای فراتحلیل، ۱۱۸ مطالعه در قالب مقالات علمی و پایان‌نامه شناسایی و در نهایت، متناسب با هدف پژوهش ۳۰ نمونه درون‌گنجی و توسط دو مرورگر کدگذاری شد. در فرایند کدگذاری، تأکید بر درون‌گنجی مطالعاتی بوده که به شکل مطالعات انفرادی، تمرکز خود را صرفاً بر تبیین متغیر «موانع توسعه حزبی» در دوره جمهوری اسلامی قرار داده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

طبق یافته‌های حاصل از مطالعات فراتحلیل شده، تعداد ۱۳۰ مانع توسعه حزبی در ذیل رویکردهای شش‌گانه: نهادی، حقوقی - قانونی، سیاسی، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناختی و نوسازی شناسایی و دسته‌بندی شده است که در ادامه تشریح می‌شوند.

۴-۱. موانع فرهنگی

طبق داده‌های جدول زیر موانع فرهنگ سیاسی با فراوانی ۴۶ مورد و ۳۵,۳۸ درصد با

ابعاد سه‌گانه: فرهنگ سیاسی رهبران، نخبگان و فعالان سیاسی و توده، بیشترین تأثیر را بر عدم توسعه حزبی در ایران پس از انقلاب داشته است.

جدول شماره (۲): موانع فرهنگی مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۴۶)

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
بدبینی و بی‌اعتمادی به احزاب	۷	۱۵,۲۱
روابط خصمانه و حذفی با رقبا	۴	۸,۶۹
ضعف فرهنگ سیاسی توده	۳	۶,۵۲
تلقی مقدس از قدرت	۲	۴,۳۴
شخصی شدن قدرت و سیاست	۲	۴,۳۴
فقدان رقابت‌پذیری	۲	۴,۳۴
انحصارطلبی و تمامیت‌خواهی	۲	۴,۳۴
فرهنگ سیاسی منفعل	۲	۴,۳۴
تسلیم‌طلبی و تابعیت	۲	۴,۳۴
مشارکت‌گریزی	۲	۴,۳۴
فردگرایی و عدم توانایی در کار گروهی	۲	۴,۳۴
خودمداری	۲	۴,۳۴
غربی دانستن احزاب	۱	۲,۱۷
تعارض برخی بنیان‌های دینی با پدیده تحزب	۱	۲,۱۷
الگوی کنش احساسی و سنتی	۱	۲,۱۷
سوءاستفاده از قدرت و فساد	۱	۲,۱۷
خشونت سیاسی	۱	۲,۱۷
تک‌گویی و نقدناپذیری	۱	۲,۱۷
توطئه‌نگری	۱	۲,۱۷
ضعف نخبگان سیاسی	۱	۲,۱۷
فرهنگ بی‌نظمی و کم‌کاری سیاسی	۱	۲,۱۷
بلوک‌بندی احزاب سیاسی	۱	۲,۱۷

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
فرهنگ سیاسی نامناسب و ناکارآمد نخبگان سیاسی	۱	۲,۱۷
عدم امنیت و ترس از قدرت	۱	۲,۱۷
سرخوردگی نسبت به تغییر در نهادها	۱	۲,۱۷
قانون‌گریزی	۱	۲,۱۷
مجموع	۴۶	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

بر اساس یافته‌های فراتحلیل حاضر، فرهنگ سیاسی در سه سطح ایستارها و جهت‌گیری ذهنی رهبران سیاسی، نخبگان و فعالان سیاسی و توده مردم نسبت به پدیده‌های «تحزب» و «حزب سیاسی» به‌عنوان یک مانع ایفای نقش نموده است. این موانع ساختاری عدم توسعه حزبی را ناشی از عملکرد ناموفق احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران دانسته‌اند که موجب شده انباشت نگرش و تفکر حزبی در ایران صورت نگیرد. به‌طورنمونه، گفته می‌شود: «در تاریخ معاصر در فرصت‌هایی که مبارزات و فعالیت‌های سیاسی امکان‌پذیر شده است، احزاب به جنجال‌ها و درگیری‌ها، حذف‌ها، اتهام‌ها و هیجان‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی روی آوردند و کمتر زمینه را برای رفتارهای سیاسی مشارکتی و مسالمت‌آمیز فراهم کردند» (فاضلی؛ عنایتی شبکلائی و نجف‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۰) که این امر موجب بروز تلقی‌های منفی و بی‌اعتمادی مردم به حزب سیاسی شده است، زیرا مردم تجربه خوبی از حزب و کارکردهای آن ندارند. در دوره اخیر، همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، این مانع صرفاً ناشی از عملکرد احزاب و گروه‌ها در دوره‌هایی از تاریخ تحزب و حیات حزبی در ایران نمی‌شود؛ بلکه متوجه ایستارهای رهبران سیاسی نسبت به پدیده‌های مدرن «تحزب» و «حزب» سیاسی نیز هست.

۴-۲. موانع حقوقی - قانونی

بر اساس داده‌های جدول شماره (۳)، ملاحظات حقوقی - قانونی با فراوانی ۴۴ مورد دومین مانع توسعه حزبی در ایران پس‌انقلاب تشخیص داده شده‌اند.

جدول شماره (۳): موانع حقوقی - قانونی مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۴۴)

مشغیر	فراوانی	درصد فراوانی
وجود ابهام در قوانین	۷	۱۵,۹۰
نقایص کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب	۶	۱۳,۶۳
گستره موسع محدودیت‌های حقوقی - قانونی	۵	۱۱,۳۶
وجود تناقض در قوانین	۴	۹,۰۹
ضعف ماده ۱۶ درباره جرایم و تخلفات احزاب	۴	۹,۰۹
ضعف قوانین مرتبط با فعالیت احزاب	۳	۶,۸۱
عدم توازن حقوق و تکالیف احزاب	۲	۴,۵۴
نوع نگاه قانون‌گذار به حزب (آمرانه، قیّم‌مآبانه و با بدبینی)	۲	۴,۵۴
عدم توجه به مسائل مالی در قوانین حزبی	۲	۴,۵۴
ضعف و ناکارآمدی رویه حقوقی انحلال احزاب	۲	۴,۵۴
عدم تعیین مشوق‌ها برای کاندیداهای حزبی	۱	۲,۲۷
عدم تدبیر قانونی برای تجمیع احزاب کوچک	۱	۲,۲۷
عدم دسترسی به رسانه برای احزاب	۱	۲,۲۷
عدم تعیین ضمانت اجرایی صریح در قبال اعمال بزهکارانه احزاب در قانون	۱	۲,۲۷
عدم تعیین حدود فعالیت مشروع و نامشروع احزاب	۱	۲,۲۷
عدم تصریح هدف اصلی حزب در قانون	۱	۲,۲۷
تفاوت تعریف حزب در قانون اساسی ایران با تعریف اکثر نظریه پردازان این حوزه	۱	۲,۲۷
مجموع	۴۴	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

از منظر مطالعات داخلی مرتبط با توسعه حزبی، قوانین مرتبط با فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران در مواردی دارای ابهام، تناقض و محدودیت است و به‌جای آنکه مشوق نظام حزبی باشد، موجب تضعیف شده است؛ به‌عنوان نمونه، «ماده ۱۸

قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی... در مقام بیان محدودیت‌ها باید به معیارهای ملموس و عینی اشاره می‌کرد تا نهاد ناظر بر فعالیت احزاب را از قضاوت‌های نادرست باز دارد، حال آنکه مفاهیم قابل تفسیر موجود در آن، راه برخورد‌های سلیقه‌ای را باز کرده است» (خیری اصل و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۱).

۴-۳. موانع نهادی

همان‌گونه که در جدول شماره (۴) آمده است، موانع نهادی با فراوانی ۲۰ مورد و ۱۵٫۳۸ درصد سهم قابل توجهی را در فرایند عدم توسعه حزبی در ایران اخیر به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۴): موانع نهادی مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۲۰)

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
ضعف قوانین انتخاباتی مرتبط با فعالیت انتخاباتی احزاب	۸	۴۰
نظام انتخاباتی اکثریتی و کاندیدامحور	۶	۳۰
ضعف نظام انتخاباتی	۳	۱۵
ابهام قوانین مرتبط با فعالیت انتخاباتی احزاب	۲	۱۰
مشکلات نظارت بر انتخابات	۱	۵
مجموع	۲۰	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

مقصود از موانع نهادی، مشکلات مرتبط با نظام انتخاباتی کشور و قوانین حاکم بر آن است. در این راستا، بیشترین تأثیر در عدم توسعه حزبی مربوط به ضعف قوانین انتخاباتی کشور تشخیص داده شده، بدین صورت که قوانین انتخاباتی در ایران آن‌گونه که باید از فعالیت احزاب و نظام حزبی حمایت نمی‌کنند و در این قوانین نقش احزاب در انتخابات مورد غفلت واقع شده است. یکی از مشکلات اساسی درباره موانع مربوط به نظام انتخاباتی، این است که نظام انتخاباتی ما با هیچ‌یک از چهار نظام انتخاباتی: اکثریتی، اکثریت نسبی، تناسبی و تناسبی نسبی مطابقت کامل ندارد، اما تشابه بیشتری به نظام اکثریتی دارد و به همین سبب کاندیدامحور است نه حزب‌محور. در این نظام، فعالیت

سیاسی در قالب احزاب پُرهزینه و کم سود است لذا کاندیدها ترجیح می‌دهند به صورت مستقل در انتخابات شرکت کنند و این امر یکی از عواملی است که موجب عدم توسعه و استقرار نظام حزبی در ایران شده است (خرمشاد و رفیعی قهسار، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰).

۴-۴. موانع سیاسی

طبق داده‌های جدول زیر، موانع سیاسی با فراوانی ۱۲ مورد و ۹,۲۳ درصد از جمله موانع شناسایی شده مؤثر بر فرایند تحقق توسعه حزبی در ایران پس از انقلاب بوده‌اند.

جدول شماره (۵): موانع سیاسی مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۱۲)

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
ساختار سیاسی قدرت (مطلق بودن قدرت)	۴	۳۳,۳۳
ماهیت و ساختار دولت (دولت رانتیر)	۴	۳۳,۳۳
ایدئولوژی سیاسی حاکم	۲	۱۶,۶۶
سیاست‌گذاری حزبی دولت	۱	۸,۳۳
ناهمخوانی بین ساختارهای نظام سیاسی و پدیده تکثر احزاب	۱	۸,۳۳
مجموع	۱۲	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

براساس یک تحلیل، «از سده گذشته تاکنون احزاب ایرانی فاقد کارآمدی لازم بوده‌اند که از جمله علل آن را می‌توان در مطلق بودن ساختار قدرت دانست. مطلق بودن قدرت، ویژگی تاریخی ساختار سیاسی ایران بوده است و از مهم‌ترین موانع سیاسی برای تحقق نظام حزبی در ایران محسوب می‌شود» (بخارایی‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۸). این ویژگی در ایران پس از انقلاب اسلامی، به صورت تمرکز منابع مالی در اختیار دولت (رانت) نمود پیدا کرده است. به این صورت که تمرکز انحصاری دولت بر درآمدهای نفتی، گروه‌های جامعه از جمله احزاب و تشکل‌های مدنی را به دولت وابسته می‌سازد که این امر مانع از شکل‌گیری احزاب مستقل از دولت می‌شود. در این‌باره تحلیلگران معتقدند که «احزاب سیاسی پس از انقلاب اسلامی احزابی بودند که هم از لحاظ سیاسی و هم از نظر منابع مالی، بیشترین وابستگی را به شخصیت‌های

حکومتی و دولت به‌عنوان قوی‌ترین نهاد سیاسی، داشته‌اند و با عنایت به رابطه معکوس بین اقتدار دولت و آزادی، احزاب بیشتر در جهت تقویت اقتدار دولت و حل معضلات دولت گام برداشته‌اند و از انجام کارکرد اصلی خود یعنی تدوین برنامه‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها ناتوان بوده‌اند» (طاوسی و دویران، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). علاوه‌براین، دیگر عوامل سیاسی تأثیرگذار بر عدم توسعه احزاب، گفتمان حاکم بر جامعه است. بر اساس یک تحلیل تأکید بر سازوکارهای پیشینی جهت کنترل احزاب، از جمله موانع ساختاری تضعیف‌کننده تحزب در ایران معرفی شده است (خیری اصل و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۴۳). در مجموع بر اساس یافته‌های فراتحلیل حاضر، متغیر «ساختار دولت رانتیر» در ذیل موانع سیاسی توسعه حزبی، به‌عنوان یک مانع ساختاری مورد توجه مطالعات توسعه حزبی در ایران اخیر قرار گرفته است. اخوان کاظمی معتقد است، نظام اقتصادی یک کشور بر نحوه شکل‌گیری و قدرت‌یابی و مانور احزاب و نهادهای مدنی مؤثر است. اساساً اقتصاد دولتی با نادیده گرفتن بخش خصوصی، ظهور و حیات تشکلهایی مانند احزاب را دچار تنگنا می‌کند؛ زیرا زمانی که اقتصاد تحت تسلط دولت است، طبیعی است که قدرت و کلیه نهادهای سیاسی نیز در مهار دولت خواهد بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، صص. ۱۹۸-۱۹۷).

۴-۵. موانع جامعه‌شناختی

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، موانع جامعه‌شناختی با فراوانی ۵ مورد و ۳٫۸۴ درصد در عدم توسعه حزبی در بازه زمانی مورد مطالعه مؤثر تشخیص داده شده‌اند.

جدول شماره (۶): موانع جامعه‌شناختی مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۵)

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
ساختار اجتماعی موجود (دوقطبی)	۱	۲۰
ضعف طبقه متوسط	۱	۲۰
حذف و کم‌رنگ شدن شکاف‌ها و مبارزات طبقاتی	۱	۲۰
منجز و منفک نشدن طبقات جامعه	۱	۲۰
فرهنگ دینی متصلب	۱	۲۰
مجموع	۵	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

بر اساس نظریه جامعه‌شناختی، شکاف‌های اجتماعی نقش اساسی در شکل‌گیری و توسعه احزاب در جوامع دارند. در این باره، برخی از تحلیلگران معتقدند که «احزاب سیاسی جدید حول نزاع‌ها و شکاف‌های اجتماعی در طی زمانی نسبتاً طولانی شکل گرفته‌اند. طبق این رویکرد، احزاب سخنگوی شکاف‌های اجتماعی هستند که بر مبنای آن شکل گرفته‌اند و اساساً و رای طراحی عامدانه قرار دارند» (اعمایی و رضایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷)، اما در ایران همواره شکاف‌های موجود در جامعه نه از نوع منقطع بلکه از نوع شکاف‌های متراکم بوده است. این امر مانع تعامل و همکاری گروه‌ها و نیروهای اجتماعی شده و در نهایت موجب قطبی شدن فضای سیاسی - اجتماعی جامعه و عدم توسعه احزاب سیاسی بوده است؛ همچنین به دلیل ضعف طبقه متوسط به‌عنوان طبقه اصلی زمینه‌ساز جنبش‌های اجتماعی و ملاحظات ایدئولوژیکی، احزاب نهادینه شوند. در این شرایط جناح‌های سیاسی با کارکردهای شبه‌حزبی با عنوان اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به‌وجود آمده‌اند که موجب ایجاد فضای در جامعه شده‌اند و تا به امروز هر جریان و گروه شبه‌حزبی که پدید آمده به نوعی برنامه‌ها و سیاست‌های آن، به یکی از دو جناح مذکور بازمی‌گردد و مستقل از این دو جریان نبوده است.

۶-۴. موانع ناشی از نوسازی و مدرنیزاسیون

طبق داده‌های جدول فوق، موانع مرتبط با نوسازی و مدرنیزاسیون با کمترین فراوانی (۳ مورد و ۲،۳۰ درصد)، ششمین و آخرین گروه از موانع شناسایی شده در فرایند توسعه

حزبی در ایران اخیر تشخیص داده شده‌اند.

جدول شماره (۷): موانع نوسازی و مدرنیزاسیون مؤثر بر عدم توسعه حزبی (n=۳)

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
مدرنیته ناقص	۱	۳۳,۳۳
عدم تحول در فرماسیون اجتماعی	۱	۳۳,۳۳
عدم توسعه سیاسی	۱	۳۳,۳۳
مجموع	۳	۱۰۰

(یافته‌های پژوهش حاضر)

از منظر طرفداران رویکرد نوسازی و مدرنیزاسیون، ناکارآمدی و نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران، نتیجه عدم توسعه سیاسی یا ناکافی بودن آن در کشور می‌باشد. براین اساس، به دلیل عدم توسعه سیاسی و نهادینه نشدن مردم‌سالاری در ایران، ساختار و فرماسیون اجتماعی جامعه دچار مشکلاتی از جمله وابستگی به دولت و تقابل سنت و تجدد است که این امر مانع از شکل‌گیری و نهادینه شدن احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب شده است.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی: هدف اصلی فراتحلیل حاضر، شناسایی و دسته‌بندی موانع توسعه حزبی در دوره زمانی ایران پس از انقلاب بوده است. در این راستا، پژوهشگران کوشیدند تا ضمن شناسایی و دسته‌بندی موانع توسعه حزبی از منظر مطالعات داخلی‌ای که در بازه ۱۳۶۸-۱۳۹۸ در پایگاه داده‌های علمی نمایه شده‌اند، به ترکیب یافته‌های پژوهش‌های انجام شده و ارائه نگاه جامع و ترکیبی بپردازند و نتیجه‌ای منسجم از میان نتایج پراکنده مطالعات به‌دست آورند تا به کمک آن، موانع مؤثر بر عدم توسعه حزبی در ایران مشخص شود. طبق یافته‌های به‌دست آمده، موانع مؤثر بر عدم توسعه حزبی در مطالعات بر اساس میزان فراوانی و به ترتیب عبارت‌اند از: موانع فرهنگی، حقوقی - قانونی، نهادی، سیاسی، جامعه‌شناختی و بالاخره موانع ناشی از نوسازی و مدرنیزاسیون. در این میان «موانع فرهنگ سیاسی»، با فراوانی ۴۶ مورد و ۳۵,۳۸ درصد پُر تکرارترین موانع

توسعه حزبی در دوره جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داده است. **تحلیل:** استنباط محققان از موانع ششگانه توسعه حزبی شناسایی شده این است که موانع حقوقی - قانونی و نهادی به‌طور خاص در این دوره از تاریخ تحول حزبی در ایران قابل بررسی و تبیین هستند؛ درحالی‌که موانع فرهنگ سیاسی، سیاسی و جامعه‌شناختی به‌عنوان موانع ساختاری - تاریخی در پیوست با فرایند توسعه حزبی در دوره‌های قاجار و پهلوی اول و دوم و نوسازی و مدرنیزاسیون، به‌عنوان یک مانع ساختاری در پهلوی دوم قابل تبیین هستند. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که مسئله عدم توسعه حزبی در ایران یک مسئله تاریخی و مداوم بوده و از الگوی تقریباً یکسانی در دوره‌های مختلف تاریخی از ایران معاصر تا اخیر پیروی می‌کند؛ لذا به نظر نمی‌رسد این فرایند شکل‌گیری تحول حزبی به سهولت و حتی در میان‌مدت رخ دهد.

پیشنهادها: آنچه در مبحث توسعه حزبی اهمیت دارد، این است که بررسی و ارزیابی احزاب سیاسی نباید تنها به ویژگی‌های ظاهری و شکلی احزاب محدود شود. صرف وجود حزب در یک جامعه نمی‌توان ادعا کرد توسعه حزبی رخ داده است، بلکه توسعه حزبی مستلزم استقرار، ثبات، نهادینگی و کارآمدی احزاب می‌باشد. پیشنهادات کاربردی پژوهش حاضر، خطاب به نخبگان، فعالان، کنشگران سیاست عملی و نیز قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران عبارت‌ند از:

الف. پیشنهادهای مرتبط با موانع فرهنگ سیاسی: نهادینه‌سازی فرهنگ نقدپذیری در سطح نخبگان حکومتی، نخبگان و فعالان سیاسی و شهروندان؛ آموزش کارگروهی از خانواده‌ها و در مدارس با هدف ایجاد فرهنگ حزبی و مدنی با شاخص‌های رواداری و احترام به دیدگاه‌های متفاوت، تعامل و گفتگو، فرهنگ مشارکتی و همکاری‌جویانه.

ب. پیشنهادهای مرتبط با موانع حقوقی - قانونی: تلاش برای رفع موارد ابهام و تناقض قوانین در زمینه‌هایی مانند تعریف جامع و مانع از حزب، جرایم سیاسی، نظارت بر احزاب، نحوه ثبت احزاب و أخذ پروانه؛ مرتفع ساختن مشکلات مربوط به کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و اصلاح ترکیب ساختاری این کمیسیون؛ بازبینی و بازنگری قانون احزاب و شفاف‌سازی حقوق و تکالیف احزاب.

پ. **پیشنهاد‌های مرتبط با موانع نهادی:** تلاش برای اصلاح قوانین انتخاباتی و حزبی، با هدف تشویق فعالان و کنشگران سیاسی به تشکیل احزاب و فراهم‌سازی بستر شکل‌گیری احزاب؛ از آنجاکه نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری احزاب قدرتمند و کارآمد در ایران بوده، تغییر نظام انتخاباتی موجود و انتخاب یک نظام انتخاباتی حزب‌محور با هدف فراهم‌سازی زمینه برای شکل‌گیری احزاب کارآمد و پویا.

ت. **پیشنهاد‌های مرتبط با موانع سیاسی:** اصلاح ساختار اقتصادی کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای حاصل از رانت نفتی؛ زیرا این درآمدها باعث استقلال دولت از جامعه و تمرکز قدرت دولت و در نتیجه، مانع شکل‌گیری احزاب مستقل بوده‌اند.

ث. **پیشنهاد‌های مرتبط با موانع جامعه‌شناختی:** ایجاد فضا برای شکل‌گیری جامعه و نهادهای واسط بین دولت و مردم تا بر مبنای آن احزاب نهادینه شوند؛ پرهیز از حذف و کم‌رنگ کردن شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی و یکسان‌سازی‌ها در جامعه با هدف به‌دست دادن امکان توسعه حزبی از طریق فعال شدن این شکاف‌ها.

ج. **پیشنهاد‌های مرتبط با موانع نوسازی و مدرنیزاسیون:** همگام‌سازی توسعه اقتصادی با توسعه سیاسی؛ نهادینه‌سازی اصول مردم‌سالاری در کشور.

یادداشت‌ها

1. The Electoral Competition Approach
2. The Sociological Approach
3. Functionalism
4. The Institutional Approach
5. Modernization and Crisis
6. Huntington Theory of Institutional
7. Meta-Analysis

کتابنامه

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۵). «مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احزاب سیاسی»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۴(۱)، ۸۴-۶۵.
- اعمایی، حسن و رضایی، مصطفی (۱۳۹۸). «امتناع حکمرانی حزبی؛ آسیب‌شناسی رابطه نظام حزبی و نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ۱۱(۱)، ۳۲-۱۱.
- ایزانلو، بلال و حبیبی، مجتبی (۱۳۸۹). «کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مرور بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی»، *تحقیقات علوم رفتاری*. ۱(۱)، ۷۹-۷۰.
- ایمان، محمدتقی؛ طبعی، منصور و امینی‌زاده، سینا (۱۳۹۹). «ارزیابی مبانی پارادایمی مرامنامه احزاب ایران بعد از انقلاب (مطالعه موردی حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران)»، *دانش سیاسی*. ۱(۱۶)، ۶۶-۵۵.
- بخارایی‌زاده، سیدمهدی (۱۳۹۷). «جایگاه احزاب در کشورهای توسعه‌یافته»، *فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار*. ۵(۲)، ۲۹۴-۲۷۷.
- بیدالله‌خانی، آرش و فرخاری، محبوبه (۱۴۰۱). «فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰»، *دانش سیاسی*. ۱(۱۸)، ۸۲-۵۵.
- توکل، محمد و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۳). «فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۵(۱)، ۷۵-۴۵.
- خدادی، حسن و ربیعی‌کهندانی، محمد (۱۴۰۱). «تحلیل استعاره‌ای از معنا و جایگاه مکتب در گفتمان حزب جمهوری اسلامی»، *دانش سیاسی*. مقالات آماده انتشار.

خرمشاد، محمدباقر و رفیعی قهسار، ابوذر (۱۳۹۷). «نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. (۱)، ۱۰۳-۸۱.

خیری اصل، خیراله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ نساج، حمید و حاتمی، عباس (۱۳۹۸). «تأثیر سیاست‌های حزبی جمهوری اسلامی ایران بر حیات احزاب سیاسی»، *رهیافت/انقلاب اسلامی*. (۴۶)، ۴۶-۲۳.

سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه‌شدن و ناکامی تحزب در ایران در سده اخیر (از ۱۲۸۵ش / ۱۳۲۸ق و ۱۹۰۸میلادی تاکنون)»، *پژوهش‌های تاریخی*. ۶(۴)، ۴۳-۵۶.

شوقعلی بافقی، محمد مهدی؛ شیخ‌زاده جوشانی، صدیقه و کمالی، یحیی (۱۳۹۷). «مطالعات جناحی در نظام جمهوری اسلامی: یک بررسی نظام‌مند»، *رهیافت/انقلاب اسلامی*. ۴۳(۱۲)، ۲۷-۵۲.

طاوسی، آرش و دویران، اسفندیار (۱۳۹۴). «موانع شکل‌گیری احزاب سیاسی ایران با تأکید بر ویژگی‌های تاریخی کشور»، *چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*. ۱۷-۱.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۹). «هویت ملی در ایران فرا تحلیل مقاله‌های فارسی موجود»، *فصلنامه علوم اجتماعی*. (۵۰)، ۳۵-۱.

عظیمی، سیدرئوف و مطلبی، مسعود (۱۳۹۵) «ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران»، *منافع ملی*. (۳)، ۹۱-۱۱۴.

فاضلی، اشرف‌السادات؛ عنایتی شبکلابی، علی و نجف‌زاده، مهدی (۱۳۸۸)، «بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های ارتباطی*. ۱۶(۱)، ۱۵۵-۱۳۵.

میرفردی، اصغر؛ کریمی، ماندانا و عیسائی خوش، کورش (۱۳۹۹). «نقش ارزیابی از احزاب و تشکل‌های سیاسی در مشارکت ساکنان شیراز در انتخابات»، *دانش سیاسی*. ۱۶(۲)، ۶۷۰-۶۴۹.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.

نوزعیم، محسن (۱۳۹۶). «موانع شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران پس از انقلاب»، *مجله انسان‌شناسی و فرهنگ*. تیرماه، ۱۳-۱.

Asayesh, Hossein; Ab Halim, Adlina; Shojaei & Seyedeh Nosrat. (2010). "Obstacles of political party development in Iran", *Report and Opinion*. 2(10), 28-32.

Brown, Ruth (2007). "Party development in the regions: When did parties start to play a part in politics?", *Journal of Communist Studies and Transition Politics*. (14), 9-30.

- Chambers, William. Nisbet (1963). "Party development and party action: The American Origins", *History and Theory*. 3(1), 91-120.
- Fobih, Nich. (2011). "Challenges to party development and democratic consolidation: perspectives on reforming Ghana's institutional framework", *Journal of Asian and African studies*. 46(6), 578-592.
- Hesli, Vicki. Reisinger William & Miller, Arthur (1998). "Political party development in divided societies: the case of Ukraine", *Electoral studies*. 17(2), 235-256.
- Lenkevitch, Evguenia (2007). "Post-soviet political party development in Russia: obstacles to democratic consolidation", Bachelor of Art, for the degree of Master of Arts, Department of Political Science, Simon Fraser University.
- Lewis, Paul. G. (1994). "Political institutionalization and party development in post- Communist Poland", *Europe- Asia studies*. 46(5), 779-799.
- Zeeuw, J. D. (2009). "Political Party Development in Post-War Societies: The Institutionalization of Parties and Party Systems in El Salvador and Cambodia", requirements for the degree Doctor of Philosophy in Politics and International Studies, University of Warwick, Department of Politics and International Studies.